



نقش بسترها و فرایندهای اجتماعی در هویت و فرایند هویت یابی کودکان (خانواده،

مدرسه، همسالان، جامعه و...)

برزو مروت

عضو هیئت علمی پردیس شهید مفتاح شهر ری دانشگاه فرهنگیان

morovatbr@gmail.com

چکیده :

جامعه‌پذیری فرایندی است که با تولد فرد در اجتماع شروع و تا پایان عمر ادامه دارد. این پروسه که نقش حیاتی در شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد انسانی دارد، به تعبیر گیدنز در طی آن کودک ناتوان به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده، تبدیل می‌شود. در همه فرهنگ‌ها خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۸۴)؛ جایی که فرد در آن با به عرصه حیات گذاشته و بی‌وقفه و بی‌واسطه وجهه نظر، باورها و ارزشهای آنرا فرا می‌گیرد. در واقع اولین پایه‌های تعلیم و تربیت و به تعبیری جامعه‌پذیری در خانواده بنا می‌شود. اما به مرور زمان و با گسترش جوامع ارگانیک و پیچیدگیهای حاصل از آن و تقسیم کار اجتماعی به وجود آمده، این مسئولیت دگرگون شده و از خانواده به نهادها و آژانسهای نوظهور منتقل و در نتیجه آن برخی از این کارکردها به عهده نهاد آموزش و پرورش گزارده شد. آموزش و پرورش نیز از طریق برنامه پنهان بر یادگیری ارزشها، نگرش‌ها و عاداتها تاثیر می‌گذارد (بوردیو، ۱۹۸۶: ۱۲۸). از جمله آژانس‌های جامعه‌پذیری که با خانواده و مدرسه رقابت دارد، گروه همسالان است، در واقع گروه‌های همسالان یا دلبسته، در برخی موارد تاثیر پایداری از مدارس دارند. تجربیات افراد در میان دوستان در ایجاد تغییری کامل در بازخوردهای ذهنی آنها نقش اساسی دارد. لوین روی دو اصل اجتماعی _روانشناختی تکیه می‌کند: اول اینکه رابطه با همتایان تصور از خود فرد را افزایش داده و به نوبه خود احساس صلاحیت وی را در بسیاری حوزه‌ها تقویت می‌کند. دوم رابطه با همسالان ممکن است به تمایل به دیگر فعالیتها از جمله فعالیتها فرهنگی و اجتماعی تعمیم داده شود. چهارمین کارگزار جامعه‌پذیری در دنیای امروزی را می‌توان به رسانه‌های جمعی نسبت داد. در همه کشورهای دارای تکنولوژی ارتباطات جمعی، رسانه‌ها در شکل دادن به سمت‌گیری‌های اصلی و نیز افکار خاص بیشترین مردم، نقش مستقیم دارند. از طرفی تاکید می‌شود که رسانه‌های جمعی، مناسبترین روش موجود برای جامعه‌پذیری هستند و عامل قاطع نوسازی به شمار می‌روند. با این فرض که اگر تلویزیون و اینترنت رفتار و عقاید خشن را در کودکان ترغیب می‌کند، می‌تواند اشکال رفتار و عقاید اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز به همین صورت تحریک نماید. طبیعی است که توافق و همسویی این نهادها با یکدیگر در امور ارزشی و هنجاری تأثیری مثبت بر جامعه‌پذیری و نهایتاً هویت و شخصیت کودکان و نوجوانان دارد؛ در حالی که دوگانگی و تعارض ارزش‌های مورد تأکید، به ویژه در دو نهاد خانواده و مدرسه، فرآیند جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزشها را با چالش مواجه و باعث سردرگمی و تردید دانش‌آموزان نسبت به ارزشها و هنجارها و همچنین اختلال در رفتارها و کنش‌های آنها می‌گردد و در نتیجه بحران هویت را به همراه خواهد داشت.

مفاهیم کلیدی: اجتماعی شدن، هویت، آژانس‌های جامعه‌پذیری.